

روش تدریس موسیقی

سید نیازالدین افری نژاد



سرشناسه: اطهری نژاد، سید کامیارالدین، ۱۳۵۴ -
عنوان و نام پدیدآور: روش تدریس موسیقی / کامیارالدین اطهری نژاد.

مشخصات نشر: تهران: فرهوش، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۱۲۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۹۵-۴۰۲-۰

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۲۰.

موضوع: موسیقی - آموزش

موضوع: Music - Instruction and study

موضوع: موسیقی - نظریه

موضوع: Music theory

موضوع: موسیقی - تفسیر

موضوع: Music - Interpretation (Phrasing, dynamics, etc.)

مبندی کنگره: ۱۳۹۷ روش/MT1

رده بندی دیویی: ۷۸۰/۷۱

شماره کتابخانه ملی: ۵۴۰۰۳۲۸



روش تدریس موسیقی سید کامیارالدین اطهری نژاد

ناظر فنی: ساجده مرادی

صفحه آرا: معین دلاری

ویراستار: سید کامیارالدین اطهری نژاد

طراح جلد: نسیم شجاعی

نوبت چاپ: اول - تابستان ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۲۰۰۰۰۰ ریال



آدرس: میدان انقلاب - ضلع جنوب شرقی - ساختمان مترجمان - پلاک ۱۷ - طبقه ۱

انتشارات: ۰۹۱۰۷۸۹۲۷۴۷ - ۶۶۴۰۱۱۶۱

دبیرخانه: ۶۶۹۱۱۷۲۶ - ۶۶۴۰۶۳۰۹

دورنگار: ۸۹۷۸۴۵۵۸

www.farhooshpub.com

فهرست مطالب

۸	مقدمه
۱۴	بخش اول: مشاوره
۲۶	بخش دوم: آموزش تنوری
۲۸	وری مقدماتی:
۲۹	جلد اول:
۲۹	نصیر امواح محتوی:
۳۰	تقسیم بندی اصوات براساس ارتعاش آن‌ها:
۳۰	تقسیم بندی اصوات بر مبنای دامنه آن‌ها:
۳۲	شناسایی نت‌ها روی اسط حاش:
۳۴	دایره نت‌ها:
۳۷	کلیدها:
۳۸	جلسه دوم:
۳۹	فاصله:
۴۱	تنالیته یا سلاح کلید یا علایم ترکیبی:
۴۲	میزان:
۴۴	انواع میزان‌ها:
۴۷	جلسه سوم:
۵۰	مترنم:
۵۲	تکرارها:
۵۷	بخش سوم: نکات کلیدی و مهم در حین آموزش عملی

۷۱	بخش چهارم: تئوری پیشرفته
۷۳	تعریف انواع گام‌های اصلی کلاسیک:
۷۳	گام مازور:
۷۳	گام‌های مازور دیزدار:
۷۷	گام‌های مازور بمل‌دار:
۸۳	گام مینور:
۸۳	گام‌های مینور بزرگ:
۹۵	مبحث اکو، سا یا آکسانیمان:
۹۹	بخش پنجم: ابزارها، تدریس
۱۰۰	ابزارهای تدریس:
۱۰۲	فن بیان:
۱۰۴	دانش روان‌شناسی:
۱۱۱	کاراکتر شخصیتی:
۱۱۳	کاراکتر رفتاری:
۱۱۸	مطلب پایانی:
۱۲۰	منابع و مراجع

مقدمه

همیشه و تنها اوست که می ماند

سال ۶۷ تحت نظر پدر فراگیری موسیقی رو آغاز کردم. فضای اون سالها فضای خیلی مساعدی برای موسیقی نبود. کلاسهای آموزش مثل امروز سط و توسعه پیدا نکرده بود. همه چیز خیلی ساده و بی تکلف بود. با این تفاوت که ...

معلم من پدرم بود. یک نظامی که بیش از نیمی از عمر خدمت مقدس ارتش رو در سمت فرماندهی گذرونده بود و اصولن در آموزش و کار بسیار بسیار سخت گیر. در عین اینکه بسیار شوخ و بذله گو بود، زمان کار مطلقن تعارف و شوخی با احدی نداشت. ضمن این که من اولین شاگرد ایشون بودم! یادم میاد اون موقع تو حال و هوای بچگی و نوجوونی، چند بار با گریه شکایت پیش مادر بردم که ر نمی خوام ساز یاد بگیرم، مگه زوره!! اما مگه جرات داشتم اینا رو به پدر بگم؟! بخشی از فعالیت کاری ایشون در تهران بود و در زمان حضور آموزش و تربیت مستمر انجام می شد و بخشی دیگه هم به دلیل حضورشون تو مناطق جنگی و فعالیت های بعد از جنگ و ماموریت های نظامی مختلف که با عدم حضور پدر همراه بود، با توقف های نامنظم در امر آموزش. ضمن اینکه خود من هم به دلیل اینکه دانش آموز مدرسه علامه حلی بودم (آن زمان این مدرسه

فقط در تهران دایر بود) طی سال تحصیلی کم‌تر فرصت تمرین و پیشرفت پیدا می‌کردم، اما پدرم این اصلن حرف‌ها سرش نمی‌شد! کلاس باید برگزار می‌شد!

مد از کمی پیشرفت و حدود سال‌های ۷۰ - ۷۱، تحت نظر پدر شروع کردم به تدریس شاگردای خود ایشان. این شروع کار من بود...

تا امر را همه تدریس رو کنار کارم داشتم و هیچ وقت رها نکردم. بعضی وقتا که به بنی وقتا پیش‌تر، سال‌های زیادی گذشته و خاطرات فراوانی از این مدت برام مونده. خاطرات تلخ و شیرین. اما یکی از خاطرات تلخ متاسفانه تکرار برام برخورد با شاگردایی بود که پس از مدتی فعالیت اومده بودن برای کلاس شون. بعضی موارد واقعن اسف بار بود. می‌دیدم که این بندگان خدا زمان طولانی رو برای تعلیم صرف کرده بودن اما متاسفانه کم‌ترین نتیجه‌ای نگرفت. این در موردی خاص با عزیزی برخورد کرده بودم که این پسر ۷ ساله من صرف رفتن از این کلاس به اون کلاس کرده بود و هنوز تو خیلی اصول ادب و مشکل داشت! به‌واقع دیدن این موارد برام زجرآور بود. چرا باید این‌ها باشه؟ قبول دارم که آموزش تابع سلیقه و تفکر مدرس هستش و اگر شما به کتاب رو به ۱۰ نفر بدین برای تدریس، مطمئن باشین ۱۱ الگوی آموزشی دریافت می‌کنین! چون خیلی پارامترها درش دخیله. اما یک قانده کلی

وجود داره که لایتغیره و اون این که وقتی شما به صفحه ۵۰ کتاب رسیدید یعنی صفحه ۴۹ رو بلد هستید. دیگه فرق نمی‌کنه این آموزش آموزش درسیه، هنریه، مدرسه‌ایه یا دانشگاهی یا ... درسته؟ پس چرا این همه آشفتگی؟ چرا فردی که مثلاً ۳ ساله داره کلاس میره هنوز میزان‌ها رو نمی‌شناسه؟ یا نمی‌زنه؟ کلید سل نمی‌دونه چیه؟! و ...

بر این اساس بود که تصمیم به قلمی کردن تجربه این سال‌ها گرفتم. قرار نیست ز خودم تعریف کنم. من تحت نظر مدرسی آموزش دیده بودم که هم دلسوز بود و هم باسواد و هم خیلی سخت‌گیر. تمام هنرم شاید تو این سال‌ها این بود که بتونم وانت‌دار خوبی برای اونچه در اختیار دارم باشم و به درستی به شاگردام منتقل کنم. هرگز خودم رو یک نوازنده خوب ندونسته و نمی‌دونم. هنرم من شاید- توان انتقال مفاهیمه و بس.

هرگز جسارت نمی‌کنم که خودم رو کنار ... در ردیف بزرگانی بدونم که حاصل سال‌ها عمر هنری‌شون رو روی کاغذ آوردن و آثار ماندگاری در زمینه موسیقی از خودشون باقی گذاشتن. تنها هدفی که من در بدوین این مطالب دنبال می‌کنم، پر کردن خلایه که در طی این سال‌ها ... سال‌ها که در فضای آموزش هنری و موسیقی کشور به وجود اومده. کسانی هم که به تازگی پا به عرصه تدریس گذاشتن تقصیری ندارن. مگه چند واحد و تو کدوم دانشگاه به ما روش تدریس آموزش دادن؟ اساسن یک مدرس

باید چه دانش و مهارت‌هایی برای درس دادن داشته باشه؟ آیا تنها داشتن اطلاعات تخصصی (هر چند کامل) برای ارایه یک تدریس موفق کفایت می‌کنه؟ چه اطلاعات دیگه‌ای برای یک مدرس مورد نیازه؟ اون هم یک مدرس موسیقی که وظیفه‌ای عجیب و خاص رو بر عهده داره؛ پرورش روح و احساسات و عواطف یک انسان مشتاق ...

بخش ریتیک مدرس برای توانمند شدن در زمینه تدریس ذاتی و بخش ریگه اکسایم. هر چند که کسب مهارت‌ها قطعاً می‌تونه ذات علاقه‌مند رو به ریاضیات و قبل بکته. اما کسب مهارت‌ها بخشیش از طریق آموزه و بخشی هم از طریق تکرار و تکرار و تجربه.

شاید مطالعه مطالب این کتاب برای، بلکه فقط لازم باشه برای اون کسانی که به تازگی پا تو این راه گذاشتن یا تو این عرصه حضور دارن و می‌خوان قوی‌تر شن. امیدوارم از این طریق تریست باشم به عنوان یه عضو بسیار کوچیک، اندکی از دینم رو به جامعه و فرهنگ هنر غنی و کهن میهنم ادا کرده باشم.

سعی کردم از تکرار مطالب تنوری موسیقی تا حد امکان پرهیز کنم. بسیار کامل‌تر و شیواتر از اونچه من بخوام در این خصوص دست به قلم ببرم، مفاخر و اندیشمندان موسیقی ما زحمات فراوان کشیده و بهترین‌ها رو به رشته تحریر درآورده‌اند. بنابراین هرچی می‌نوشتم فقط تکرار مکررات بود

و بدون شک به فصاحت بیان اون بزرگان هم نمی‌رسید. اگر جایی حرفی از تئوری اومده یا مطلبی از تئوری تکرار شده (مثل بحث شناسایی نت‌ها روی خطوط حامل یا تو مبحث گام‌شناسی یا ...) تنها به قصد پیشنهاد روش و سلسله‌مراتبی بوده که فرایند آموزش رو تسریع و تسهیل کنه. علی‌الخصوص که بعضی از این مباحث برای نوازنده آماتوری که به این سطح رسیده، گیج‌کننده و گنگه و شاید همین مسئله باعث دلزدگی و امتناع هرچو از یادگیری مطالب بشه.

بخش کوچیکی از این کتاب، رو به مباحث روان‌شناسی اختصاص دادم. داشتن اطلاعات این بخش یکی از الزامات هر آموزشیه. باور کنین هرچی تو این بخش قوی‌تر بشین، فضای افکار و گفتارتون رو تغییر میده و آرامش خیلی خوبی بهتون میده. اونجا هم ذکر کردم که اصلن نمی‌شه تو این حجم کم به یه همچین مطلب مهم پرداخت یا حتی کم‌ترین سرخط‌هاشو باز کرد چون هر جمله‌اش می‌تونه یه کتاب مستقل باشه. اما...

آب دریا را اگر نتوان کشید

هم به قدر ذره‌ای باید چشید

برام این مهم بود که بتونم اهمیت موضوع و تاثیرگذاری اون تو روند آموزش رو بهتون نشون داده باشم. باقیش دیگه زحمتش کردن خودتونه که مطالعه کنین و خودتون رو بهروز کنین. باور کنین یکی از عمده دلایل نداشتن این کتاب همین بخش بود! بهخصوص شناخت و تحلیل درونیات یک مترجم که بتونیم الگویی براساس شرایط اون فرد براش طراحی کنیم تا از انجام آن زشر هم بیشتر لذت ببریم و هم نتیجه مطلوبتری بگیریم.

لحن بیاد با شادی مخاطب تو این مقدمه عامیانه و محاوره‌ای بود. احساس کردم این ریون دلتون نزدیک‌تره و می‌تونه به قدم منو بهتون نزدیک‌تر کنه، اما تو متن زشر کردم تا حد امکان اصول مصوب نگارش مصوب فرهنگستان زبان و ادب ما، به رو رعایت کنم. چون اولین تجربه تو این زمینه هست، شکی نیست که ایرادان فراوانی می‌تونین توی اون پیدا کنین. دست و قلم هر عزیزی رو می‌ذاره و می‌بوسم که منت بر سر من بگذاره و با راهنمایی‌هاش کمکم کنه تا هر ایرادی هست رو اصلاح کنم و مکتوبات بعدی رو بهتر و مفیدتر آماده استفاده بذارم.

ارادتمنا

سید کامیارالدین اطهری‌نژاد

فروردین ۱۳۹۳